

## شرح

## زمان توزیع واکسن آسترانکا در مراکز تهران

**• شرق:** دکتر حسین قناعتی رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران در نشست خبری گفت: متأسفانه مناطق جنوبی تهران مانند اسلامشهر وضعیت بهداشتی بدی دارند و شاید جزء فقیرترین مناطق بهداشتی هستند و ان‌شاءالله بتوانیم این معضل را برطرف کنیم. ما از هنرمندان و سلبریتی‌ها دعوت کردیم تا آخرین بهداشت هم راه‌اندازی شود. در جلسه اول ۴۰ میلیارد تومان خیرین کمک کردند. چند روز قبل یک خبر ۸۰۰ میلیارد تومان برای ساخت مرکز سرطان بیمارستان امام خمینی (ره) کمک کرد و یک زمین دوهزارمتری هم اهدا کردند که اگر فروش برود حدود ۳۰۰ میلیارد تومان به ما کمک می‌کند. در زمینه فضاهای درمانی بیمارستان «شریعتی ۲» با حدود هزار تخت انتهای اتوبان همت راه‌اندازی می‌شود و مرکز بین‌المللی علوم و اعصاب در انتهای اتوبان همت راه‌اندازی می‌شود و برای بودجه آن با خیریه امام رضا صحبت کردیم. خیریه هم در «مرکز طبی کودکان ۲» با ۳۰۰ میلیارد تومان به ما کمک کرد و طی چند ماه دیگر این بیمارستان بسیار مجهز در منطقه ۱۸ بازشکایی می‌شود.رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران بیان کرد: حدود ۱۲۰۰ دانشجوی خارجی داریم که افتخاری است که از آرزوی هم به همراه دارد و اینها کار اشاعه فرهنگ ما را انجام می‌دهند. الگوی ما شهید سلیمانی است و نه رانت خوارها و ویژه‌خوارها؛ برای انقلاب اسلامی هدف تربیت انسان‌هایی است که مسیحی و… برایشان فرقی ندارد و وقتی بشیرت در خطر باشد خدمت می‌کنند. متأسفانه هدف در دانشگاه‌ها فراموش شده است و هدف از ورود به دانشگاه نباید کسب درآمد باشد. البته کسی که بیشتر زحمت کشیده است باید درآمد بیشتری هم داشته باشد و این عین عدالت است اما نباید تمام هدف درآمد و پول باشد.او در زمینه بیماری‌زالی امیکرون، بیان کرد: خوشبختانه بیماری‌زایی این سویه خیلی خفیف‌تر از سویه دلتا بوده است و بیشتر در منطقه حلق و حنجره می‌ماند و به سمت ریه نمی‌رود.کدام‌اینکه تلفات سنگینی که در پیک پنجم با سویه دلتا داشتیم به دلیل درگیری ریه بود که در امیکرون این امر کمتر است. انتظار من این بود که یک کرونا با امیکرون سه هفته قبل آغاز شود، اما یک نزد آمیدوم و با رعایت مردم شاهد یک ناشیام‌وی همچنین افزود: موارد مبتلا به آنتلوانزا و شبه‌آنتلوانزا در کشور زیاد است و علائم سرماخوردگی شدید زیاد داریم اما خوشبختانه مردم سربلای درمان می‌شوند؛ زیرا درگیری ریه کاهش یافته است. یک کرونا در دنیا ادامه دارد اما اینکه چرا در ایران هنوز یک نژده است چند فرضیه دارد که یک فرضیه این است که فاصله ابتلا تا درگیری بالینی طولانی است و دربراره زمان تحویل واکسن‌های آسترانکا(که اخیراً وارد کشور شده) از سوی وزارت بهداشت به مراکز این دانشگاه، افزود: واکسن در حال واردات است و ان‌شاءالله از هفته دیگر این واکسن در دسترس خواهد بود.رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران گفت: در مورد کرونا نمی‌توان به شکل خالص علمی سخن گفت؛ زیرا مثلا ایمن‌دانستن مطلق واکسن‌های کرونا حداقل هشت سال زمان لازم دارد و ما به دلیل اضطرار کرونا و اینکه مشخص شد واکسن سبب کاهش مرگ‌ومیر می‌شود. از آن استفاده می‌کنیم. تا پنج ماه قبل روزی ۵۰۰ کشته بر اثر کرونا داشتیم ولی اکنون با گسترش واکسنیاسون میزان تلفات کرونا حدود ۲۵ نفر است، اما اینکه عوارض واکسن چه بوده یا چه خواهد بود، در دست بررسی‌های بیشتر است و ان‌شاءالله مطلب مهمی پیش نیاید؛ ولی در حال حاضر به صورت اضطرار کمیته علمی دستور واکسنیاسون داد. در رابطه با واکسنیاسون کرونا برای کودکان نیز هنوز قطعیت وجود ندارد اما تصمیم کمیته علمی انجام این کار برای کودکان است.

**چالش‌های نسخه‌نویسی الکترونیک**

وی همچنین درباره نسخه‌نویسی الکترونیک تصریح کرد: دانشگاه‌های علوم پزشکی علی‌رغم اینکه زیرساخت مناسب سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ندارند، اما چون دستور دولت بود وارد عرصه نسخه‌نویسی الکترونیکی شدند و بچه‌های ما خیلی زحمت کشیدند و حدود بالای ۷۰ هزار نسخه الکترونیک نوشته شد اما به سقف مطلوب نرسیدیم ولی گاهی اوقات وقتی به اجبار کار را راه‌اندازی کنیم خسارتی هم در پی خواهد داشت که مثلا برخی مردم مجبور می‌شوند نسخه اول بگیرند و پرداخت از جیب مردم افزایش می‌یابد ولی چاره‌ای نیست و باید انجام شود. ان‌شاءالله تا یک سال آینده به حد مطلوب نسخه‌نویسی الکترونیک می‌رسیم. قناعتی درباره آموزش مجازی دانشجویان و پزشکان، گفت: چند مشکل در آموزش داریم، اول آنکه پایه آموزش دستان و دبیرستان غلط است و باید اصلاح شود. در دانشگاه هم نباید سیستم خطابه‌ای باشد. باید به سمت خلاقیّت برویم و دانشجو در فیلد باشد. در دانشگاه دفاع مقدس یک سیبجی در فیلد و میدان با مشکلات آشنا می‌شد و کار می‌کرد. دانشجو باید در معرض درهای جامعه باشد. دانشگاه محل ارائه آموزش‌های کلیشه‌ای نیست، رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران همچنین تاکید کرد: ما از لحاظ شرایط ذخیره استراتژیک دارو شرایط مطلوبی نداریم و به لحاظ ساختار نیز بیمارستان‌ها که در کرونا آسیب دیدند باید بازسازی شوند. برخی تجهیزات ما فرسوده شده است که باید بازسازی شود و نیاز به نیروی انسانی هم همچنان وجود دارد. میزان بودجه‌ای که برای ما در نظر گرفته شده است نسبت به هزینه‌های ما و تغییرات قیمت دلار و کاهش ارزش ریال بر کارکرد و به‌کارگی ما هم اثر گذاشته است.

کوهیار آفاق؛ دنیای مدرن، خصوصا در نواحی

پیشرفته با وجود کم‌کردن زحمات و افزودن به اوقات فراغت، امکان گفت‌وگو را در بین افراد به حداقل رسانده است. در چنین دنیای پیچیده‌ای نقش‌های متعدد و متنوع‌تری برای افراد غیر از نقش‌های سببی و نسبی تعریف شده است که شخص را درگیر خود کرده و از او فردی ناآشنا برای اعضای خانواده می‌سازد. این در حالی است که تجربه دانشمندان علم رفتار، نشان داده است هیچ نهادی جایگاه گفت‌وگو را در تعاملات انسانی برای انسان بر نمی‌کند و فرد در برهه‌های سخت زندگی نیازمند گفت‌وگوکردن است. اما نکته بسیار مهم در این روند آگاه‌بودن به این مهارت و یادگرفتن تکنیک‌های درست آن است. چراکه گفت‌وگوکردن امری آموختنی است. کلیدهای مربوط به خود را دارد و در مقابل موانع جدی هم می‌توان بر سر راهش قرار داد که لازم است آنها را هم بشناسیم. ما در این گفت‌وگو به سراغ عضو کمیته روان‌پزشکی اجتماعی انجمن علمی روان‌پزشکان ایران رفتیم تا پاسخ‌گوی پرسش‌ها ما باشند. اینکه چگونه باید گفت‌وگوکردن را بیاموزیم؟ اینکه ویژگی‌های فردی ما تا چه اندازه در گفت‌وگوی ما اثر خواهند داشت؟ آیا گفت‌وگوی سالم و ناسالم وجود دارد؟ دکتر فاطمه صالح در این مصاحبه به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهند.

**ک** برای شروع بد نیست که بپرسیم وقتی از گفت‌وگو حرف می‌زنیم شما یاد چه موضوعی در حوزه کاری خودتان می‌افتید؟
از همان ابتدا که شما با من تماس گرفتید و از موضوع مورد بحث حرف به میان آوردید ذهنم به شدت درگیر این موضوع شده است. با وجود اینکه اساس کار بنده با همین موضوع گره خورده است اما هر بار فکرکردن به این مسئله حاضر می‌دهد که جقدر این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد. همان ابتدای بحث باید بگویم که من به محض شنیدن موضوع این مصاحبه یاد یکی از مراجعین خودم افتادم. دختر جوانی که ناشنواست و همیشه از وضعیت موجود در خانه خودشان و در ارتباط با والدینش گلایه‌هایی می‌کند. من خیلی وقت‌ها در نشست‌های حضوری این خانواده حاضر می‌شوم و به گفت‌وگوهایشان توجه می‌کنم. نکته مهم درباره مراجع من این است که این خانواده به راحتی نمی‌توانند گفت‌وگو کنند و همین هم کارشان را دشوار کرده است. البته آنها در حال یادگیری هستند و اتفاق خیلی هم پیشرفت کرده‌اند. چه بسا که خانواده‌های دیگری را می‌شناسم که با همین موضوع درگیر هستند اما چون راه گفت‌وگو با یکدیگر را آموزش دیده‌اند دیگر مشکلی در این زمینه ندارند.

## جامعه

بررسی راهکارهای رسیدن به گفت‌وگوی سالم در مصاحبه با دکتر صالح:

# سوگیری‌های ذهنی آفت گفت‌وگوست



**ک** در واقع شما می‌خواهید به این موضوع اشاره کنید که اهمیت گفت و شنود تا چه اندازه می‌تواند در ابعاد مختلف زندگی ما اثر بگذارد؛ درست است؟

دقیقا همین‌طور است. شاید شما همین الان اگر در خیابان‌ها بروید و از مردم بپرسید که آیا از نظر خودشان گفت‌وگوکردن را بلد هستند یا نه بیشتر آنها پاسخ درست خواهند داد. اما آیا حقیقت هم همین است؟ آیا همه ما گفت‌وگو را بلدیم؟ آداب گفت‌وگو را می‌شناسیم؟ تفاوت بین گفت‌وگوی سالم و ناسالم را می‌شناسیم و به آن آگاهی؟ باید بدانیم که اهمیت و ضرورت آگاهی و تسلط به آداب گفت‌وگو یکی از مهم‌ترین مهارت‌های فردی است که می‌تواند کیفیت زندگی ما را به شدت ارتقا دهد. روابط بین فردی را بهبود بخشد و از بروز بسیاری از مشکلات در زندگی فردی و اجتماعی ما جلوگیری کند.

**ک** این قواعد آموختنی است یا اینکه در وجود همه ثبت شده است؟
البته که بسیاری از مهارت‌های فردی و اجتماعی به واسطه ارتباط با ویژگی‌های شخصیتی در وجود ما ثبت شده است. به طور مثال فردی که ذاتا صبورتز اوقات در گفت‌وگو عملکرد بهتری دارد در مقایسه با دیگری که عجول است و تحمل و حوصله ندارد. اما فارغ از ویژگی‌های فردی می‌توان بسیاری از این مهارت‌ها را آموخت. ضمن اینکه یادگرفتن همین مهارت‌ها باعث ترمیم ویژگی‌های فردی ما هم خواهد شد. به طور مثال کسی که تلاش می‌کند در فرایند گفت‌وگو عملکرد بهتری داشته باشد طبعاً و قطعاً دارد روی صبر و تحملش هم کار می‌کند. به همین شکل هم ما شاهد آن خواهیم بود که اوضاع و روابط انسان‌ها بهتر می‌شود.

**ک** اگر بخواهید برخی از آداب گفت‌وگو را نام ببرید و درباره آنها توضیح دهید، آنها کدام خواهند بود؟

موارد متعددی در این امر دخیل است. اما من اینجا به برخی از مهم‌ترین موارد اشاره می‌کنم. یکی از نکات ابتدایی و اولیه در رسیدن به یک گفت‌وگوی سالم، توجه به فرصت‌های برابر است. به این معنی که انسان‌ها در شرایطی می‌توانند گفت‌وگوی برابری داشته باشند که فرصت‌های برابری پیش‌رویشان قرار گرفته باشد. مثلا یک کارفرما که از نظر قدرت بالادست نیروی کاری خود محسوب می‌شود اگر بخواهد با نیروی خود گفت‌وگو کند باید آن بخشی از کار که مربوط به سمتش می‌شود را کنار گذاشته و در شرایط برابر و عادلانه به گفت‌وگو بنشیند. یا همین موضوع در روابط والدین و کودکان هم دیده شده است. بسیاری از والدین رویکردی کاملاً پدرمآبانه در مواجهه با فرزند خود دارند. این‌طور که ما پدر و مادر تو هستیم و تو باید بدون چون و چرا به حرف ما گوش کنی. در حالی که حقیقت امر این نیست. همین رفتار هم سبب می‌شود که این کودکان در آینده همین رفتارها را غالباً تکرار کنند و الگوی منفی از والدین خود داشته باشند. موضوع بعدی احترام است. این را بدانیم که محال ممکن است که یک گفت‌وگو بدون وجود احترام دوطرفه به سرانجام مطلوبی برسد. از سوی دیگر رعایت و توجه به زمان و مکان مناسب برای گفت‌وگو هم اهمیت بسیار زیادی دارد. به طور مثال وقتی شما خسته از محل کارتان به خانه رفته‌اید، حتما زمان مناسبی برای گفت‌وگو نیست. یا وسط یک میهمانی خانوادگی جای خوبی برای حرف‌زدن نیست. پس بهتر است به این موارد هم توجه شود.

**ک** اگر بخواهید به مهم‌ترین نکته اشاره کنید چه

خواهید گفت؟

تعریف واژه گفت‌وگو خود به خوبی مهم‌ترین راز این مهارت را بازگو می‌کند. اینکه گفت در ابتدا قرار می‌گیرد و سپس گو می‌آید. این یعنی اینکه همواره شنیدن بر حرف‌زدن تقدم دارد و گفت‌وگوی سالم و درست زمانی اتفاق می‌افتد که ما در ابتدا آماده شنیدن حرف‌های طرف مقابل خود باشیم و سپس به سمت حرف‌زدن برویم. در بسیاری از موارد اگر دو طرف تصمیم بگیرند که درست و اصولی گفت‌وگو کنند، اساسا در همان مرحله اولیه که حرف یک نفر شنیده شود می‌توانند به نتیجه مثبتی برسند چون بسیاری از گره‌ها برایشان باز خواهد شد. از همین روست که شنیدن را می‌توان به عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین کلید در یک تعامل دوطرفه معرفی کرد.

چطور باید این مهارت‌ها را آموخت؟

خانه، مدرسه، مهدهای کودک، کتاب‌ها، رسانه‌های جمعی و همه اینها باید در کنار هم بسجج شده و برای آموزش و فرهنگ‌سازی در این زمینه تلاش کنند.

**ک** آیا یادگرفتن این مهارت می‌تواند عاملی جدی برای ایجاد تنش در تعاملات انسانی باشد؟

صدالبته. بگذارید از کودکی شروع کنیم. کودکی که گفت‌وگوی سالم را در خانه خود ندیده است، آن را از والدینش یاد نگرفته و سپس در مدرسه و محیط‌های اجتماعی هم شاهد آن نبوده است ناخودگاه که از بزرگسالانی چیزی در این باره نمی‌داند. از سوی دیگر، به واسطه اینکه هیچ‌گاه خودش درست حرف نزده و از آن مهم‌تر شنیده نشده است، در نتیجه خشمی پنهان را همواره در وجود خود حمل می‌کند. خشمی که در شرایط متفاوت می‌تواند منجر به ایجاد مشکلات متعددی شود. در مقابل فردی که از کودکی همواره در فرایند گفت‌وگو توانسته به تخلیه ذهنی برسد، روان آرام‌تری خواهد داشت.

**ک** و در پایان، از نظر شما موانع یک گفت‌وگوی سالم چیست؟

پس‌زمینه‌های ذهنی و سوگیری‌های شناختی از جمله مهم‌ترین سدهای مقابل گفت‌وگوی سالم هستند. زمانی که شما با سوگیری‌های ذهنی پای یک گفت‌وگو می‌نشینید، در واقع دیگر خبری از شنیدن فعالانه نیست. شما قبل از شنیدن حرف‌های طرف مقابل، قضاوتتان را کرده و حکمتتان را داده‌اید. در این شرایط و در بهترین حالت ممکن شما می‌توانید از حرف‌های طرف مقابل خود انتخاب‌گزینشی داشته باشید و در نتیجه به جایی هم نخواهید رسید. پس می‌توان از پس‌زمینه ذهنی به عنوان آفت گفت‌وگو نام برد. انسان به ذات نیازمند شنیده‌شدن است.

**یادداشت**

## ۳ کولبر میان برف کم شدند لابد برایشان صرف داشت

**اعظم محبی**

● گاهی اوقات حوادث و اتفاقاتی کمک می‌کنند که واقعیت‌هایی را بهتر و دقیق‌تر درک کنیم. هزاران خبر از مصوبات، اظهارنظرها و… می‌خوانیم اما یک مرتبه یک خبرنگار درون خودش همه حرف‌ها و حقایق را دارد.سه کولبر اهل روستای بساوان بخش مرگور ارومیه پنجشنبه ظهر میان برف و مه به سمت مرزهای ترکیه حرکت کردند، ساعتی بعد با اهالی روستای خود تماس گرفتند و گفتند که مسیر را کم کرده‌اند و دیگر هیچ تماس و نشانه‌ای از آنها دریافت نشده.تی‌ها‌های جست‌وجوی مردمی به‌همراه نیروهای نظامی و مرزبانی و همچنین نیروهای امداد هلال‌احمر محلی با امکاناتی محدود دو روز در میان برف و مه به‌دنبال آنها گشتند؛ رسانه‌های محلی اعلام کردند مردم روستای ترکیه در همجواری منطقه مفقودشدن سه کولبر، روزهای جمعه و شنبه به‌دنبال کولبران رفتند اما تا زمان نوشتن این‌یادداشت جست‌وجوها بی‌نتیجه بود.اما این حادثه تلخ و کنگ بهتر از هزاران خبر وضعیت مرزنشین‌ها را نشان می‌دهد. وقتی فیلم جست‌وجو‌برای یافتن کولبران را می‌بینیم ودشت پوشیده از برف را که امکان حرکت به امدادگمران و افرادی که کوله‌باری کم ندارند، نمی‌دهد تنهایی سؤالی که در ذهن ایجاد می‌شود این است که چرا انسانی جان خود را چنین به خطر می‌اندازد؟به یاد مصاحبه‌های گذشته در این منطقه می‌افتم، کولبری که می‌گفت ما ناگزیریم در کولاک و هوای مه‌آلود حرکت کنیم تا توسط هنگ مرزی دو کشور دیده نشویم، مسنونان استانی که کلمه کولبر را به کار نمی‌برند و به آنها می‌گویند کاسبکار مرزی و مصاحبه با آن نماینده سابق مجلس که می‌گفت کسی که می‌خواهد به سمت مرز قاچاق برود حتما پیش‌بینی شلشیک، گرفتارشدن در بهمن یا سبقوط از دره و کوه را می‌کند، لابد برایش صرف دارد که می‌رود.لابد برایش صرف داشت که با چندین کیلو بار، برف‌هایی را که از زانو می‌رسند، از جلوی پایش می‌شکافت و بی‌توجه به دانه‌های ریز کولاک که به سروروش می‌خورد به سمت جلو حرکت می‌کرد.اما صرفش چه بود؟ چرا این آدم‌ها ثروتمند نیستند اگر برایشان صرف دارد؟نماینده سابق مجلس که اتفاقا اهل همین منطقه است، تنها مسئولی نیست که فکر می‌کند مرزنشین‌ها در بی ثروت به مرز می‌روند و لابد برایشان صرف دارد که میان برف‌ها کم شوند.ای کاش کسی برای ما صرف‌داشتن را معنی می‌کرد تا امروز تکلیفمان با این خبرها روشن بود و کسی به ما صراحتا می‌گفت که سه مردی که اکنون در برف‌ها کم شده‌اند، چقدر برایشان صرف داشت که بجایش جانشان بود و شاید می‌فهمیدیم که آنها قاچاقچیان خلافکار بودند یا مرزنشین بی‌کار.در میان تمام مصاحبه‌هایی که درباره کولبران گرفتم، کسی از قانون حمایت از مرزنشین درمورد بهره‌مندی از منطقه مرزی سخن نگفت و شاید هنوز برای مسئولان هم حتی مشخص نیست که مرزنشین حق بهره‌مندی از تجار‌ت مرزی را دارد و این حق باید با ایجاد مجراهای قانونی مانند بازگشایی و تقویت بازارچه مرزی، اولویت در استخدام مرزنشین‌ها در مناطق آزاد تجاری و… تأمین شود و این مهم تنها با پرداخت مبلغی به‌عنوان حق مرزنشینی به وجود نمی‌آید.نکته غم‌انگیزی وجود دارد؛ تبادلات مرزی با حجم بالا همیشه در مناطق مرزی بوده و هست؛ هرچند مرزنشین هنوز فقیر و بی‌کار است و هنوز برایش صرف دارد که برای درآمدی اندک جانش را به دست بگیرد و به دشت پوشیده از برف برود. اینکه تبادل کالا در نواحی مرزی با حجم بالا در دست مافیای قاچاق، بازرگانان بزرگ و… باقی مانده است سازمان‌یافته فعال شوند اما مرزنشین برای انتقال کوله‌باری جانش را کف دست بگیرد به سمت مرز برود یعنی هنوز تعریف دقیق و صحیحی در تصمیمات کلان کشوری درباره مرزنشین‌ها نیست، راستی هنوز یک سال از درگذشت پنج کولبر اهل کوران در میان برف‌ها نمی‌گذرد.

**درپچه**

## بخش‌نامه آموزش و پرورش برای توسعه آموزش «حضوری» در مدارس

● **شرق:** براساس مصوبات شورای معاونان و تأکیدات وزیر آموزش و پرورش و در چارچوب مصوبات ستاد ملی مبارزه با کرونا، دفتر وزارتی با ارسال بخش‌نامه‌ای به ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها، بر توسعه آموزش‌های حضوری در همه مدارس و واحدهای آموزشی، با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و بهره‌مندی از امکانات موجود مدرسه تاکید کرد. براساس این بخش‌نامه؛ حضور مدیران، معاونان و سایر همکاران در مدرسه، طبق برنامه هفتگی الزامی است و آموزش و تدریس باید از محیط کلاس ارائه شود. شایان ذکر است رعایت جدول زمان‌بندی آموزش حوزه‌های یادگیری براساس برنامه درسی مصوب در این بخش‌نامه مورد تاکید است.